

۱	مقدمه
۲	واژه ی عید در قرآن
۲	اعیاد در میان ملل بزرگ و فرهنگها
۳	اعیاد در اسلام
۴	عید در روایات اسلامی
۴	تضاد وهابیت با اهل سنت در برگزاری مجالس جشن میلاد رسول اکرم (ص)
۵	دو عید مقبول وهابیان
۶	منابع

مقدمه

در همه ادیان مراسم و بزرگ داشت هایی برای تعظیم شعائر، اهداف، آرمان ها و ارزش های آن مکتب وجود دارد. در دین مبین اسلام و به خصوص مذهب تشیع نیز چنین مراسم هایی وجود دارد. خداوند در قرآن بزرگ داشت نشانه های خود را خواستار شده و این عمل نیکو را نشأت گرفته از تقوا دانسته و می فرماید: هرکس شعائر الهی را بزرگ شمارد به درستی که آن از تقوای قلوب است" پس برگزاری بزرگ داشت ها، از امور مطلوب و پسندیده است، اما این بدیهی است که هر قوم و ملتی در شکل و شیوه اجرای این بزرگ داشت ها آداب و رسوم مخصوص به خود را دارند. این گونه رسومات تا وقتی که مخالف با اسلام و دستورات اسلامی نباشد، اشکالی نداشته و مورد قبول دین مبین اسلام است.

واژه ی عید در اصل از فعل عاد (عود) یعود اشتقاق یافته است. معانی مختلفی برای آن ذکر کرده اند، از جمله «خوی گرفته»، «هرچه باز آید از اندوه و بیماری و غم و اندیشه و مانند آن»، «روز فراهم آمدن قوم»، «هر روز که در آن، انجمن یا تذکار فضیلت مند یا حادثه ی بزرگی باشد». گویند، از آن رو به این نام خوانده شده است که هر سال شادی نوینی باز آرد.^۱ ابن منظور در لسان العرب گفته است که برخی بر آن هستند که اصل واژه ی عید از «عاده» است، زیرا آنان (قوم)، بر جمع آمدن در آن روز، عادت کرده اند.^۲

چنان که گفته شده است: القلب یعتاده من حبها عید.

و نیز «یزید بن حکم ثقفی» در ستایش «سلیمان بن عبدالملک» گفته است

امسی باسماء هذا القلب معمودا اذا اقول صحا یعتاده عیدا.^۱

^۱. دهخدا، ذیل عید، زبیدی، تاج العروس، ۴۳۸/۸ - ۴۳۹

^۲. ابن منظور، لسان العرب، ۳۱۹/۹

به گفته ی «ازهری»: عید در نزد عرب، زمانی است که در آن شادی ها و یا اندوها، باز می گردد و تکرار می شود. ابن اعرابی آن را منحصر به شادی ها دانسته است.^۲

واژه ی عید در قرآن

اللهم انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا و آخرنا و آية منك (سوره مائده/آیه ۱۱۴) در تفسیر نمونه، ذیل این آیه گفته شده است: «عید، در لغت از ماده ی عود به معنی بازگشت است، و لذا به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی بر طرف می شود و بازگشت به پیروزی ها و راحتی های نخستین می کند، عید گفته می شود و در اعیاد اسلامی به مناسبت این که در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه ی بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می گردد، و آلودگی ها که برخلاف فطرت است، از میان می رود، عید گفته شده است و از آن جا که روز نزول مائده روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است، حضرت مسیح (علیه السلام) آن را عید نامیده و همان طور که در روایات وارد شده، نزول مائده در روز یک شنبه بود و شاید یکی از علل احترام روز یک شنبه در نظر مسیحیان نیز همین بوده است.

اعیاد در میان ملل بزرگ و فرهنگها

از دیرباز در همه ملت های بزرگ و فرهنگی جهان، اعیاد، جشن گرفته می شد. از جمله در زمان حضرت ابراهیم(ع) عیدی داشتند که در آن روز بتان را گرامی می داشتند. مفسران بر این باورند که روز بت شکنی حضرت ابراهیم(ع) روز عید بت پرستان بود. بت پرستان در هر سال روز خاصی را برای بت ها عید می گرفتند، غذاهایی در بت خانه حاضر کرده سپس دسته جمعی به بیرون شهر حرکت می کردند و در پایان روز بازمی گشتند و به بت خانه می آمدند تا از آن غذاها که به اعتقادشان تبرک یافته بود بخورند. آنان به ابراهیم نیز پیشنهاد کردند او هم با آنها برود، ولی او به عذر بیماری با آنها نرفت.^۳

در مصر باستان نیز عید، برگزار و گرامی داشته می شد. در آیه ۵۹ سوره طه آمده است که حضرت موسی(ع) روز موعده مبارزه با ساحران را روز عید و یوم الزینه قرار داد و فرمود: و موعدهکم یوم الزینه و أن يحشر الناس ضحی؛ گفت وعده گاه شما روز عید باشد که مردم نیمروز مجتمع شوند. علامه طباطبایی در ذیل آیه آورده از سیاق آیه برمی آید که روز زینت در میان مصریان روزی بوده که همچون روز عید خود را زینت می کردند و بازارها را آذین می بستند.

عید برای ملت ها حتی مؤمنان امری مبارک و میمون بوده است. از این رو حتی حواریون حضرت عیسی(ع) خواهان آن بودند که عیدی خاص برای خودشان داشته باشند؛ چنانکه یهودیان برای خود اعیادی داشتند که از آن به ایام الله یاد می کردند؛ چرا که خداوند به حضرت موسی(ع) و یهودیان فرمان داده بود تا روزهای خاص را به عنوان ایام الله بزرگ دارند که از جمله این ایام الله و اعیاد، روز نجات ملت یهود از دست فرعون و گذر از دریا بود.^۴

^۱ ۴۳۸. ابن منظور، همان جا، زبیدی/تاج العروس، ۸/

^۲ ابن منظور، همان جا - زبیدی، ۸۳۹/۸

^۳ انبیاء آیات ۵۷ و آیات دیگر.

^۴ ابراهیم آیه ۵.

حضرت عیسی(ع) در برابر درخواست انصار و حواریون خود، از خداوند خواست تا سفره ای آسمانی برای آنان فراهم آورد تا ایشان از آن بخورند و آن روز را به عنوان عید گرمی دارند: اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا و آخرنا و أیه منك؛ پروردگارا بر ما سفره ای از طعام از آسمان نازل فرما تا برای امروز ما و انسان هایی که بعداً می آیند عید باشد و نشانه بزرگی و عظمت تو باشد.

در تفسیر نمونه در ذیل آیه آمده است: از آنجا که روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است حضرت مسیح(ع) آن را «عید» نامیده و همانطور که در روایات وارد شده، نزول مائده در روز یکشنبه بود و شاید یکی از علل احترام روز یکشنبه در نظر مسیحیان نیز همین بوده است.

بنابراین، در اقوام و ملل گذشته حتی میان کفار و بت پرستان، عید به عنوان روزهای خاص گرمی داشته می شد؛ چرا که آن روز را زمانی مقدس و مهم می دانستند که حادثه و رخدادی بزرگ پدید آمده و سرنوشت آن ملت و قوم را تحت تأثیر خود قرار بود.

هر چند که همه روزها روز خداست، همان طور که همه جان ها از خداست، ولی برخی از روزها همانند برخی از جان ها از ویژگی خاصی برخوردار است که خداوند به خود نسبت می دهد از جمله روزهایی که تجلی قدرت و یا حکمت خداوند است مانند همان جان و روح خاصی که به انسان داده شده و خداوند آن را به خود نسبت می دهد.^۱

البته کفار روزهایی که مؤمنان آن را بزرگ و گرمی می دارند، بی ارزش می دانند؛ زیرا از نظر فرهنگی و فکری با هم در تقابل هستند. ^۲مؤمنان نیز می بایست توجه داشته باشند که با حضور خود در جشن های کفار آن را گرمی ندارند. از این رو به مؤمنان فرمان می دهد در آن جشن ها و اعیاد به سبب آنکه از اعیاد باطل است شرکت نداشته باشند.^۳

اعیاد در اسلام

در اسلام روزهای بزرگی وجود دارد که عید گرفته می شود. البته در آیات قرآنی به صراحت از عید قربان و عید فطر یا دیگر اعیاد یاد نشده ولی در آیات قرآنی از مردم خواسته شده است که ایام الله را گرمی دارند؛ چنانکه ملت یهود آن را گرمی می داشتند.^۴

از این آیه و آیات دیگر برمی آید که جشن و شادی بلکه سوگواری و عزاداری در رابطه با ایام الله جایز است؛ چون این یادآوری موفقیت ها و پیروزی ها و نیز مصیبت ها و تلخی های گذشته و برطرف شدن آنها، انسان ها را به تدبیر و نیز شکر وامی دارد و نیز مقاومت و صبر را در انسان ها افزایش می دهد و الگوهایی را برای زندگی بهتر معرفی می کند. از این آیه و آیات دیگر برمی آید که انسان می بایست در هر حال مصیبت و رفا، شاکر خداوند باشد و از گذشته عبرت و درس بگیرد.

اول ماه شوال عید قرار داده شد چون مؤمنان با روزه داری خود در راه رستگاری و تقوا گام برداشتند و پس از پایان این دوره

^۱حجر ۲۹، ص ۷۲.

^۲جاثیه ۴۱.

^۳فرقان ۷۲.

^۴ابراهیم ۵.

آموزشی جشن پیروزی و رستگاری می گیرند. «قد افلح من تزکی» محققاً هرکس خود را تزکیه کند رستگار می شود. مفسران، منظور از «تزکی» را زکات فطره در روز عید فطر می دانند. امام باقر(ع) فرمودند: بگویند این رمضان است و نه رمضان رفت و نه رمضان آمد، زیرا رمضان یکی از نام های خداست و نمی توان نسبت رفتن و آمدن به ذاتش داد. رفتن و آمدن مربوط به اشیاء زائل است. پس بگویند: ماه رمضان ماه را اضافه کنید؛ چون رمضان، نام خداست. ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده و خداوند آن را مثل برای اهلیت و «عید» برای مومنین قرار داد.^۱

عید در روایات اسلامی

جمعه، فطر، اضحی و غدیر خم، مهم ترین روز هایی هستند که از آنها در روایات اسلامی با عنوان " عید " یاد شده است و هر یک از این روزها اعمال و آداب و مراسم مشترک یا خاص خود را دارند.

مهم ترین اعمال و آداب مشترک این اعیاد عبارتند از: غسل کردن و حمام کردن، پوشیدن جامه نیکو، استعمال بوی خوش، خواندن نماز و ادعیه ضمن آنکه هر یک از آنها اعمال ویژه خود را نیز دارند.

نکته جالب توجه در این اعمال و آداب و ادعیه آن است که غالباً به نزول فرشتگان و ارواح وارستگان و فرود آمدن برکات آسمانی اشاره می شود. چنانکه تلاوت سوره قدر، به منظور اشاره به قدر و شرف و عظمت این اعیاد و تأکید بر نزول فرشتگان و " روح " از آسمان مانند آن، نوعاً در نماز های ویژه این اعیاد مطرح است.

در شب جمعه، ملائکه از آسمان به زیر می آیند با قلم های طلا و صحیفه های نقره، و در پسین پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا غروب آفتاب جز صلوات بر محمد (ص) و آل او چیز دیگری نمی نویسند.

شب عید اضحی (قربان) از لیالی متبرکه است و یکی از آن چهار شبی است که نگاه داشتن احیا در آن شب توصیه شده است چرا که درهای آسمان در این شب باز است.

در روایات آمده است که فضیلت شب عید فطر کمتر از شب قدر، شب نزول قرآن، ملائکه و روح نیست. عید غدیر خم نیز از عظیم ترین اعیاد است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و آن روزی است که حضرت رسول (ص) امیرالمؤمنین (ع) را به خلافت خود برگزید. احسان و انفاق در این روز، چون شب قدر، اجری چندین برابر روز های دیگر دارد.

گفتنی است که در بعضی از ادعیه مربوط به این اعیاد وسعت رزق از خداوند متعال که خیرالرازقین است درخواست می شود. عید از نظر حضرت علی(ع) این است که: هر روزی که در آن روز، معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد، آن روز را عید خوانده است. کل یوم لا یعصی الله تعالی فیه فهو یوم عید.

تضاد وهابیت با اهل سنت در برگزاری مجالس جشن میلاد رسول اکرم (ص)

بزرگداشت میلادها و برگزاری مجالس و محافل جشن و سرور یکی از سیره های مشروع و مباح بلکه رایج بین مسلمانان بوده و هم اکنون نیز در بین آنان رواج دارد.

ولی وهابی ها می پندارند که برگزاری جشن تولد پیامبر اکرم ص، قرائت قرآن در آن مراسم، شعر خواندن در مدح ایشان و

^۱نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۶.

اطعام مسلمانان از جمله منکرات است. وهابیان برپایی هر نوع مجلسی را برای فوت یا تولد اولیا نوعی عبادت اولیاء الله دانسته و آن را به عبادت بت همانند کرده‌اند: «هی نوع من العبادۃ لهم و تعظیمهم...»^۱ آنان در تأیید گفته خویش به رفتار اعراب جاهلیت اشاره نموده‌اند که به هر مناسبتی همچون تولد یا فوت یا خاطره‌ای زیبا و بد، در بت‌خانه جمع شده، به شادی و سوگواری می‌پرداختند و با آن که به خدای یکتا اعتقاد داشتند این دست ساخت‌های خویش را همه‌کاره زمین دانسته، به آنها توسل می‌کردند: «و یقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله»؛ و می‌گویند اینها نزد خدا شفاعت‌گران ما هستند.

دو عید مقبول وهابیان

بنابر گفته نویسنده فتح المجید، وهابیان دو عید را قبول دارند: عید فطر و عید روز جمعه. آنان در این مورد به حدیثی از پیامبر(ص) استدلال کرده‌اند:

إن هذا یوم قد جعله الله للمسلمین عیداً؛

همانا خداوند این روز (جمعه) را برای مسلمانان روز شادی و عید قرار داده است.

از دیدگاه آنان، شادمانی و سرور در این روز جایز و رواست، زیرا پیامبر بر این دو عید تأکید کرده و به آن سفارش نموده است، اما درباره اعیاد دیگر حدیث و روایت نرسیده است.^۲

آنان برای اثبات گفته خویش به این روایت از ثابت بن ضحاک استدلال کرده‌اند: او می‌گوید: روزی از پیامبر درباره قربان کردن شترهای نذر در بوانه سؤال کردم. پیامبر فرمود: اگر در آن درجات نباشد و عملی در جهت معصیت خدا صورت نگیرد و رسمی از رسوم جاهلیت زنده نشود ادای نذر اشکالی ندارد.

قال: نذر رجل أن ینحر إبلاً ببوانة. فسأل النبی(ص) فقال: هل کان فیها وثن من أوثان الجاهلیة بعد؟ قال: لا. فهل کان عیداً من أعیادهم؟

قال: فقال(ص): فإنه لا وفاء لنذر فی معصیة الله؛

ابن تیمیه در این باره می‌گوید:

جشن و شادمانی در اعیاد بدعت است و اساسی ندارد و هیچ یک از گذشتگان این روزها را به عنوان عید به صورت دسته جمعی به شادی نپرداخته‌اند. و در آن روزها اعمالی انجام نداده‌اند

این عمل مسیحیان است که در ایام تولد تولد حضرت عیسی ع جشن می‌گیرند و یا از یهودیان است...^۳

محمد حامد الفقی نیز در این باره می‌گوید

یادواره‌ها و بر پا کردن جشن در ایام ولادتها و یا وفاتهای اولیاء، پرستش آنان به شمار می‌آید و نوعی عبادت و تعظیم برای آنها است.^۴

۱. فتح المجید، ص ۱۵۴

۲. فتح المجید، ص ۱۵۳

۳. اقتضاء الصراط المستقیم ص ۲۹۴.

۴. الملل و النحل ۴/ص ۳۲۰.

بی پایه و اساس بودن ادعاهای ابن تیمیه و محمد حامد الفقی در این زمینه ، بر طالبان و جویندگان حقیقت پوشیده نیست. چرا که علاوه بر اینکه بین برگزاری جشن میلاد رسول خدا(ص) و عبادت فرق است و کسی که عبادت می کند باید دارای یکی از این سه عنصر باشد (یعنی به الوهیت معبود معتقد باشد ، به ربوبیت او نیز معتقد باشد و معتقد باشد که افعال رب به خود معبود واگذار گردیده است) و هیچ یک از این عناصر در برگزاری جشنها وجود ندارد.

به تصریح خود ابن تیمیه اصل در هر چیزی اباحه است (او می گوید : اصل در عادات و رسوم مردم ، عدم منع است مگر اینکه منعی از خداوند رسیده باشد). ۲

افزون بر اینها گذشتگان نیز به برپایی این جشنها اهتمام داشته اند.

نمونه هایی از گفتار علمای اهل سنت

قسطلانی می گوید : مسلمانان پیوسته در ماه میلاد پیامبر اکرم ص جشن می گیرند و اطعام می دهند....رحمت خدا بر کسانی که ماه میلاد ان حضرت را عید می گیرند..۲

حسین محمد ، معروف به دیار بکری از قاضیان مکه در تاریخ خود می نویسد مسلمانان پیوسته ماه میلاد پیامبر اکرم ص را جشن می گیرند ، اطعام می دهند ، شبها با انواع صدقات ، صدقه می دهند ، اظهار سرور و شادمانی می کنند . در نیکی به فقیران اصرار می ورزند و به مولودی خوانی می پردازند و^۱ این عباد : برای من روشن است که زمان تولد پیامبر اسلام ص عیدی از اعیاد و موسمی از موسمهای مسلمانان است و هر عملی به عنوان جشن مباح است.

منابع

www.hawzah.net

www.jjtvn.ir

www.samamos.com

vahabiat.porsemani

^۱. المواسم و المراسم ص ۲۲